info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام

شماره ۲۶۱۲
شنبه / ۷ مهر / ۱۴۰۳
۲۴ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
28 / September / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فال ۱۴۰۳

امروز با حافظ

این همه شعبده خویش که می کرد اینجا
سامری پیش عصا و یدِ بیضا می کرد
گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند
جُرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

فرازی

خوش است صورت و معنی به وفق یکدیگر
چو نامه تو سیه شد چه سود جامه سفید

جلی

فال کوتر

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۵	۰۵:۵۹	۱۱:۵۷	۱۷:۵۲	۱۸:۱۰

برگه

انسان می تواند خارق العاده ترین زندگی را داشته باشد اگر بداند که چطور کار کند و چطور عشق بورزد...

لئوتولستوی

مکث

آموزش الفبای تاب آوری در مدارس

مدارس به‌عنوان دومین محیط مهم بعد از خانواده، نقش کلیدی در تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان دارد. مدرسه یک چهارضلعی است که مدیران و معاونان، معلمان و مربیان، اولیا و دانش‌آموزان اضلاع آن را می‌سازند و هیچ کدام از آنها به‌تنهایی نمی‌توانند نقش مهم خود را ایفا کنند.

به گزارش پیام آشنا نقل از جام جم، با ایجاد روابط مثبت بین دانش‌آموزان، مربیان، اولیا، مدیران و فراهم کردن محیطی امن و حمایتی، می‌توان به تقویت تاب‌آوری در دانش‌آموزان کمک کرد. تحقیقات نشان می‌دهد تاب‌آوری با موفقیت تحصیلی و رضایت از زندگی در ارتباط است و می‌تواند به کاهش استرس، افزایش انگیزه و خلاقیت منجر شود. دکتر محمدرضا مقدسی، مدیر و موسس خانه تاب‌آوری و مترجم کتب تاب‌آوری در گفت‌وگو با جام‌جم بیان می‌کند: تاب‌آوری در مدارس به معنای توانایی دانش‌آموزان در مقابله یا چالش‌ها، فشارهای زندگی و تحصیل است. ایجاد محیطی حمایتی و آموزشی در مدارس سبب می‌شود دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های لازم برای مدیریت استرس، زندگی، حل مسأله، خودکنترلی و بهبود سلامت روانی خود را یادبگیرند.

نقش اولیا در تاب آوری دانش آموزان

اولیا نقش حیاتی در توسعه تاب‌آوری دانش‌آموزان دارند. حمایت عاطفی و اجتماعی والدین می‌تواند به تقویت اعتماد به‌نفس و مهارت‌های مقابله‌ای دانش‌آموزان کمک کند. ایجاد محیطی امن و محبت‌آمیز در خانه و ارتباط مؤثر و گفت‌وگوی دانش‌آموز با والدین درباره تجربیات و احساسات خود به آنها این امکان را می‌دهد که احساس ارزشمندی کنند و در مواجهه با چالش‌ها بهتر عمل کرده و از سلامت روانی مطلوبی برخوردار باشند. در نتیجه خانواده‌ها با فراهم‌کردن این زمینه‌ها، به شکل‌گیری تاب‌آوری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. همچنین زمانی که اولیا و مدارس در کنار هم برای حمایت از رشد و موفقیت دانش‌آموزان تلاش می‌کنند، نتایج بسیار مثبتی حاصل می‌شود. والدین با مشارکت در فعالیت‌های مدرسه سبب تقویت مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و ارتقای اعتماد به‌نفس دانش‌آموزان می‌شوند. همچنین آموزش والدین درباره روش‌های مقابله با چالش‌ها و استرس‌ها می‌تواند به فرزندان کمک کند تا در مواجهه با مشکلات، انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهند.

برنامه‌های مدارس تاب آور

مدارس می‌توانند با انجام فعالیت‌های مختلفی شامل آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین، همکاری با سازمان‌های محلی و ارائه خدمات به افراد نیازمند به‌عنوان مراکز توانمندسازی جامعه عمل کرده و در بهبود تاب‌آوری محلات نیز نقش مؤثری داشته باشند. دانش‌آموزان می‌توانند با شرکت در فعالیت‌های گروهی مدارس مانند کارگاه‌های مهارت‌های اجتماعی، بازی‌های تیمی و پروژه‌های گروهی، تاب‌آوری خود را تقویت کنند. برگزاری جلسات مشاوره و گفت‌وگوهای آزاد درباره احساسات و چالش‌ها نیز به تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان کمک می‌کند. علاوه بر این، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و اجتماعی، حس مسئولیت‌پذیری و همدلی را افزایش می‌دهد.

ورزش و توانایی مقابله با استرس

ورزش و فعالیت‌های بدنی نه‌تنها به بهبود سلامت جسمی کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت سلامت روان و افزایش اعتماد به‌نفس می‌شود. ورزش گروهی در مدارس، مهارت‌های اجتماعی را تقویت کرده و حس همکاری و همبستگی را در میان دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. همچنین مواجهه با چالش‌ها و رقابت در ورزش، توانایی مقابله با استرس و مشکلات را در دانش‌آموز افزایش می‌دهد. در نتیجه، مدارس باید برنامه‌های ورزشی متنوعی را برای تقویت تاب‌آوری و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان راه‌اندازی کنند. ورزش‌های گروهی مانند فوتبال و بسکتبال، مهارت‌های اجتماعی و کار تیمی را تقویت و به کاهش استرس کمک می‌کنند.

ابراز احساسات با فعالیت‌های هنری

فعالیت‌های هنری مانند نقاشی و موسیقی، فرصتی برای ابراز احساسات و خلاقیت فراهم می‌آورند و نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان دارند. از طریق کارهای گروهی در پروژه‌های هنری، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه با دیگران همکاری کرده و در مواجهه با چالش‌ها، راه‌حل‌های خلاقانه پیدا کنند. همچنین، هنر به‌عنوان یک ابزار آموزشی می‌تواند به مدیریت استرس و فشارهای روزمره کمک کند که این امر در بهبود سلامت روان و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

نیاز به مشاوران مجرب در مدارس

مشاوران و معلمان آگاه در مدارس نقش حیاتی در تقویت تاب‌آوری دانش‌آموزان دارند. این افراد با ارائه حمایت‌های عاطفی و آموزشی، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با چالش‌ها و فشارهای روانی بهتر مقابله کنند. آنها می‌توانند مهارت‌های اجتماعی و عاطفی را تقویت کنند و با آگاهی از نیازهای خاص هر دانش‌آموز و ارائه راهکارهای مناسب، باعث افزایش اعتماد به‌نفس و انگیزه در یادگیری شوند. در نتیجه مدارس به داشتن مشاوران و معلمان باتجربه و مجرب نیاز مبرمی دارد تا سبب بهبود سلامت روان و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شود. اما یادآوری این نکته بسیار مهم است که حمایت سازمانی و مشکلات معیشتی معلمان هم تأثیر مستقیم بر تاب‌آوری دانش‌آموزان و مدارس دارد. معلمان با شرایط معیشتی نامناسب، نمی‌توانند به‌طور مؤثر به آموزش و پرورش دانش‌آموزان بپردازند و این امر می‌تواند به افت تحصیلی و کاهش انگیزه در دانش‌آموزان منجر شود. سازمان‌های آموزشی باید به حمایت از معلمان توجه ویژه‌ای داشته باشند تا با ایجاد محیطی مطلوب، معلمان بتوانند بر چالش‌های آموزشی غلبه کنند.

گزارش روز

بشارت پیروزی مقاومت

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، متن پیش‌رو گزارش تبیینی درباره بیانات رهبر انقلاب در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع‌مقدس و مقاومت است.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع‌مقدس و مقاومت، در بیان چرایی آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران فرمودند: «حمله به مرزهای ایران مخصوص صدام و حزب بعث نبود، بلکه سردمداران نظم جهانی آن روز یعنی آمریکا و شوروی و دنباله‌روهای آنها هم انگیزه زیادی برای تهاجم داشتند.» ایشان در ادامه افزودند: «علت خصومت آنها این بود که انقلاب اسلامی یک فریاد صریح علیه نظم باطل و ویرانگر حاکم بر جهان و نظام سلطه یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و تحمیل فرهنگ و نظر سلطه‌گران به سایر کشورها بود.» چنانکه می‌بینیم رهبر انقلاب، دلیل تعرض رژیم بعث به خاک ایران را ترس آنها از انقلاب مردمی و دینی می‌دانند: «انقلابی که نمایانگر کبیر آن بر اساس این ایده، سخن نو و موضعی واضح، دارای منطق و انتظام ارائه کرده بود: هرچه مردمی‌تر، اسلامی‌تر و هرچه اسلامی‌تر، مردمی‌تر. در عمل نیز انقلاب اسلامی همزمان مردمی‌ترین و دینی‌ترین انقلاب تاریخ جدید بوده است. قابل توضیح است که در انقلاب فرانسه و حتی انقلاب روسیه تنها قلیلی از مردم علیه حاکمیت وقت به صحنه آمدند. همچنین انقلاب‌های مذکور تنها علیه ستم داخلی بود و هیچکدام بُعد جهانی و انسانی انقلاب اسلامی را نداشت. دیگر اینکه انقلاب‌های مذکور، به ترتیب، عمدتاً سیاسی و اقتصادی بودند اما انقلاب اسلامی انقلابی در تمام شئون بود حتی شأن انفسی را هم در بر گرفت. در این شرایط، بدیهی بود نظام سلطه از انقلاب اسلامی واهمه داشته و با همه امکانات خود حامی صدام باشد. بر این اساس بود که آلمان کارخانه تولید سلاح شیمیایی برای عراق اختصاص داده بود و آمریکا به رژیم بعث به منظور بمباران شیمیایی ایران اطلاعات به روز می‌داد. تقریباً تمام کشورهای مؤثر دنیا به استثنای اُبیی، سوریه و یمن جنوبی حامی صدام بودند. در عین برتری عنصر دین در انقلاب اسلامی، نظام بر خاسته از آن تنها حکومتی بود که توانست یک مساله و چالش ملی و تاریخی ایران را حل کند. حل مساله اروندرود برای همیشه از پیامدهای انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس بود. مساله اروندرود به سال‌ها پیش از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بازمی‌گردد. سال ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم در عراق روی کار آمد و مدعی اروندرود شد. به طور خلاصه، از سال ۱۳۴۸ در دوران پهلوی دوم، ۱۰۴ درگیری مرزی میان عراق و ایران بر سر مناقشه مذکور درگرفته بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از همان اسفند ۱۳۵۷ و ۱۳ فروردین ۱۳۵۸، عراق تعرضاتی نسبت به مواضع ایران صورت داد. قابل اشاره است که عراق حتی نسبت به جزایر سه‌گانه و خرمشهر (یا محمره خواندن آن) اظهارات تحریک‌آمیزی در دوران پهلوی داشت. این انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس بود که توانست این مساله ملی و مرزی را برای همیشه حل کند. کار، کار اسلام انقلابی و رهبری امام راحل و همراهی مردم و رزمندگان اسلام بود و تنها از آنها این کار برمی‌آمد.

بنابراین با عنایت به دعوت رهبر انقلاب برای پرهیز از تقلیل دفاع‌مقدس به دفاع از وطن، باید التفات داشت که دین مهم‌ترین عامل قوام امر ملی و دفاع از وطن بوده است. همچنین هیچ ملی‌گرا و وطن‌پرست سکولاری به اندازه شهدای دفاع‌مقدس برای ایران هزینه نداده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، متن پیش‌رو گزارش تبیینی درباره بیانات رهبر انقلاب در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع‌مقدس و مقاومت است.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع‌مقدس و مقاومت، در بیان چرایی آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران فرمودند: «حمله به مرزهای ایران مخصوص صدام و حزب بعث نبود، بلکه سردمداران نظم جهانی آن روز یعنی آمریکا و شوروی و دنباله‌روهای آنها هم انگیزه زیادی برای تهاجم داشتند.» ایشان در ادامه افزودند: «علت خصومت آنها این بود که انقلاب اسلامی یک فریاد صریح علیه نظم باطل و ویرانگر حاکم بر جهان و نظام سلطه یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و تحمیل فرهنگ و نظر سلطه‌گران به سایر کشورها بود.» چنانکه می‌بینیم رهبر انقلاب، دلیل تعرض رژیم بعث به خاک ایران را ترس آنها از انقلاب مردمی و دینی می‌دانند: «انقلابی که نمایانگر کبیر آن بر اساس این ایده، سخن نو و موضعی واضح، دارای منطق و انتظام ارائه کرده بود: هرچه مردمی‌تر، اسلامی‌تر و هرچه اسلامی‌تر، مردمی‌تر. در عمل نیز انقلاب اسلامی همزمان مردمی‌ترین و دینی‌ترین انقلاب تاریخ جدید بوده است. قابل توضیح است که در انقلاب فرانسه و حتی انقلاب روسیه تنها قلیلی از مردم علیه حاکمیت وقت به صحنه آمدند. همچنین انقلاب‌های مذکور تنها علیه ستم داخلی بود و هیچکدام بُعد جهانی و انسانی انقلاب اسلامی را نداشت. دیگر اینکه انقلاب‌های مذکور، به ترتیب، عمدتاً سیاسی و اقتصادی بودند اما انقلاب اسلامی انقلابی در تمام شئون بود حتی شأن انفسی را هم در بر گرفت. در این شرایط، بدیهی بود نظام سلطه از انقلاب اسلامی واهمه داشته و با همه امکانات خود حامی صدام باشد. بر این اساس بود که آلمان کارخانه تولید سلاح شیمیایی برای عراق اختصاص داده بود و آمریکا به رژیم بعث به منظور بمباران شیمیایی ایران اطلاعات به روز می‌داد. تقریباً تمام کشورهای مؤثر دنیا به استثنای اُبیی، سوریه و یمن جنوبی حامی صدام بودند. در عین برتری عنصر دین در انقلاب اسلامی، نظام برخاسته از آن تنها حکومتی بود که توانست یک مساله و چالش ملی و تاریخی ایران را حل کند. حل مساله اروندرود برای همیشه از پیامدهای انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس بود. مساله اروندرود به سال‌ها پیش از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بازمی‌گردد. سال ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم در عراق روی کار آمد و مدعی اروندرود شد. به طور خلاصه، از سال ۱۳۴۸ در دوران پهلوی دوم، ۱۰۴ درگیری مرزی میان عراق و ایران بر سر مناقشه مذکور درگرفته بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از همان اسفند ۱۳۵۷ و ۱۳ فروردین ۱۳۵۸، عراق تعرضاتی نسبت به مواضع ایران صورت داد. قابل اشاره است که عراق حتی نسبت به جزایر سه‌گانه و خرمشهر (یا محمره خواندن آن) اظهارات تحریک‌آمیزی در دوران و بنیاد دشمنی نظام سلطه را در همین حقیقت می‌دانند. ایشان برای رساندن مقصودشان، نکته دیگری را مورد اشاره قرار دادند: «آن روز، ۲ قدرت بزرگ در دنیا بودند و هر کدام دنیاطلبی داشتند، اما آن ۲ قدرت آمریکا بود و شوروی سابق. دولت‌هایی، نظام‌های سیاسی‌ای، اینها تقریباً همه‌شان در این قضیه انگیزه داشتند. جمهوری اسلامی، ایران اسلامی برای اینها یک عنصر غیرقابل تحمل بود اما چرا ایران اسلامی برای آنها غیرقابل تحمل بود؟ ما که آن روز علیه کسی اقدامی نکرده بودیم! حالا امروز به ما می‌گویند شما به فلان جا موشک دادید، به فلان جا پهپاد دادید! آن روز که این حرف‌ها نبود، علت دشمنی چه بود؟»

رهبر حکیم انقلاب در این دیدار، معنویت و ایمان را عامل پیروزی ایران در دفاع‌مقدس دانستند؛ عاملی که آن را عامل مقاومت اسلامی نیز قلمداد کردند. ایشان متذکر شدند بنا به انتظار کارشناسان، صدام به سبب برتری تجهیزات و امکانات باید ظرف یک هفته به تهران می‌رسید (نقل به مضمون) و این واقعیت تاریخی را به واقعیت امروز مقاومت اسلامی نسری دادند و این جبهه را با وجود امکانات کمتر نسبت به رژیم غاصب قدس پیروز میدان دانستند. رهبر حکیم انقلاب، آنچه را در فلسطین و لبنان در جریان است، مشابه دفاع‌مقدس دانستند و در نهایت، جنگ با نفوذ را مقابل دیده گذاشتند و نسبت به برخی که خواهان برافراشتن پرچم دشمن در کشور هستند، دعوت به حساسیت و مقابله کردند (نقل به مضمون). آنچه رهبر حکیم درباره انقلاب اسلامی، دفاع‌مقدس و جبهه مقاومت فرمودند و اینکه این ۳ پدیده را در یک افق و چشم‌انداز نظری و عملی واحد مورد تأکید قرار دادند، امیدبخش و حلول پیام پیروزی بود. تردیدی نیست همچنان برتری سیاسی و معنوی گفتمان مقاومت (برتری استدلال و وجاهت عقلانی و انسانی و الهی)، عامل بنیادین پیروزی است و رژیم غاصب قدس با وجود داشتن امکانات مادی برتر اما از حیث نیروی انسانی، استدلال و مشروعیت و معقولیت (سیاسی و معنایی)، بیش از هر زمانی زبون و خوار شده است.

اشاره

آیا اشغال فلسطین پایان می یابد؟

چند روز قبل، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب و در آن از اسرائیل خواست تا ظرف یک سال به حضور غیرقانونی خود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین پایان دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، چند روز قبل مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب و در آن از اسرائیل خواست تا ظرف یک سال به حضور غیرقانونی خود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین پایان دهد. این قطعنامه با ۱۲۴ رای موافق، ۴۳ رای ممتنع و ۱۴ رای منفی که اسرائیل و آمریکا در میان آنها بودند، به تصویب رسید. این قطعنامه توانست حمایت بسیاری از کشورهای غربی را که به طور سنتی از اسرائیل حمایت می‌کردند، به دست آورد.

این اولین بار در تاریخ سازمان ملل بود که فلسطین پیش‌نویس قطعنامه خود را برای رای‌گیری در مجمع عمومی ۱۹۳ عضوی ارائه کرد، این اقدام به لطف حقوق و امتیازات افزایش یافته‌ای است که فلسطین به عنوان یک کشور ناظر پس از قطعنامه‌ای در ماه می دریافت کرد. قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل از کشورها می‌خواهد که گامهایی را در جهت توقف واردات محصولات یا منشأ شهرک‌های سهپونیستی و همینطور تهیه یا انتقال تسلیحات، مهمات و تجهیزات مربوطه به سهپونیست‌ها بردارند. کارشناسان معتقدند که این قطعنامه در آستانه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سهپونیست‌ها را منزوی می‌کند. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم سهپونیستی قرار است ۲۶ سپتامبر، همزمان با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کند.

قطعنامه سازمان ملل چه می گوید؟

همانطور که گفته شد در این قطعنامه آمده که سهپونیست‌ها ظرف مدت ۱۲ ماه باید به حضور غیرقانونی خود در فلسطین پایان دهند. این قطعنامه از اسرائیل می‌خواهد که قوانین بین‌المللی را رعایت و نیروهای نظامی خود را خارج کند، فوراً تمام فعالیت‌های شهرک‌سازی جدید را متوقف کند، همه شهرک‌نشینان را از سرزمین‌های اشغالی تخلیه کند و بخش‌هایی از دیوار جدایی را که در داخل کرانه باختری اشغالی ساخته است، از بین ببرد. همچنین این قطعنامه می‌گوید که اسرائیل باید زمین و سایر اموال غیرمنقول و همچنین تمام دارایی‌هایی را که از زمان آغاز اشغال فلسطین در سال ۱۹۶۷ مصادره شده و تمام دارایی‌های فرهنگی و دارایی‌های گرفته شده از فلسطینی‌ها و موسسات فلسطینی را بازگرداند. این قطعنامه همچنین از اسرائیل می‌خواهد که به همه فلسطینی‌هایی که در جریان اشغال آواره شده‌اند اجازه دهد به شهرهای اصلی خود بازگردند و خسارات ناشی از اشغال را جبران کند.

حکم دادگاه بین المللی چه می گوید؟

سند UNGA بر اساس نظر مشورتی صادر شده توسط دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) در ماه ژوئیه بود که اشغال فلسطین را غیرقانونی اعلام کرد. است. عالی‌ترین دادگاه جهان حکم داد که اسرائیل با ساخت و توسعه شهرک‌ها، استفاده از منابع طبیعی منطقه، الحاق و تحمیل کنترل‌های دائمی بر اراضی و تضعیف حق تعیین سرنوشت فلسطینیان، از موقعیت خود به عنوان قدرت اشغالگر سوءاستفاده می‌کند. این دادگاه پس از درخواست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۲ و در شرایطی که سازمان ملل و اکثریت قریب به اتفاق جامعه بین المللی سرزمین فلسطین را تحت اشغال اسرائیل می‌دانند، این نظر را صادر کرد. اسرائیل کرانه باختری، نوار غزه و بیت المقدس شرقی را در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اشغال کرد. سهپونیست‌ها در سال ۲۰۰۵ تحت فشار بین المللی مجبور به عقب نشینی از غزه شدند اما محاصره (زمینی، دریایی و هوایی بر فرار غزه را حفظ کردند.

آرای کشورهای عضو چه چیزی را نشان می‌دهد؟

این قطعنامه توسط ۱۲۴ کشور عضو سازمان ملل تصویب شد که ۴۳ کشور رای ممتنع و ۱۴ کشور آن را رد کردند.

لیست مخالفان شامل اسرائیل و متحد اصلی آن، آمریکا است. آرژانتین که در سال ۲۰۱۰ کشور فلسطین را به رسمیت شناخت، در زمان رئیس جمهور فعلی خاویر مایلی، موضع خود را تغییر داد و به یکی از سرسخت ترین حامیان دیپلماتیک اسرائیل تبدیل شد و با قطعنامه سازمان ملل مخالفت کرد. پاراگوئه کشور دیگری در قاره آمریکاست که یمانین قطعنامه رای منفی داد. آمریکا که یمانین قطعنامه رای منفی داد از حامیان دیرینه اشغالگری سهپونیست‌ها بوده و قبل و بعد از هفتم اکتبر، میلیاردها سلاح برای ارتش صهیونیستی ارسال کرده است. ایالات متحده به دلیل نقشش در تسلیح اسرائیل و جنایت علیه بشریت متهم جنگی اسرائیل و جنایت علیه بشریت متهم شده است. چیزی که موضع آمریکا را بیش از پیش مشکل‌ساز می‌کند این است که موضعی کاملاً مخالف در مورد اشغال‌های جاهای دیگر داشته است. در سال ۲۰۲۲، زمانی که روسیه عملیات نظامی به اوکراین را آغاز داشت، این قطعنامه از خاک آن را اشغال قلمداد کرد، واشنگتن در خط مقدم محکومیت جهانی قرار گرفت و میلیاردها کمک نظامی و مالی به ارتش اوکراین ارسال کرد. اقدامات آمریکا استاندارد دوگانه نگران کننده‌ای را ایجاد کرده که سایر کشورهای متحد با آن هم از آن پیروی کرده‌اند.

برای مثال، انگلیس نگرانی قابل توجهی را در مورد حکم ژانویه دادگاه بین المللی لیراز و اتهامات نسل کشی علیه اسرائیل را رد کرد. در ۱۸ سپتامبر، برای ممتنع و انتخاب کرد. علیرغم هشدار مسئولان حقوقی مبنی بر استفاده از تسلیحات انگلیسی برای نقض حقوق بشر در غزه، دولت این کشور به ارسال تسلیحات خود به ارتش اسرائیل ادامه داد و تنها ۳۰ مجوز از ۳۵۰ مجوز صادرات سلاح را به حالت تعلیق درآورد. لندن هم مثل واشنگتن، حمایت نظامی قابل توجهی از اوکراین انجام داده است.

آلمان که در ۱۸ سپتامبر هم به قطعنامه سازمان ملل رای ممتنع داد، نمونه دیگری از کشورهایی است که موقعیت نگران کننده‌ای دارد. آلمان به عنوان تامین کننده کلیدی تسلیحات به اسرائیل، با اتهامات جدی مبنی بر تسهیل ارتکاب نسل کشی، پیچیده کردن جایگاه اخلاقی این کشور و ایجاد پرسش‌هایی در مورد تعهدش به حقوق بشر مواجه است. دولت این کشور اعلام کرده که قصد دارد در جلسه اصلی پرونده نسل کشی علیه اسرائیل در دیوان بین المللی دادگستری مداخله کند و اتهامات نسل کشی را بدون توجیه اساسی رد قاطعانه اعلام کرده است. آلمان در حالی که تلاش می‌کند روند قانونی علیه اسرائیل را مسدود کند، تحقیقاتی را که توسط سیستم قضایی خودش در مورد جنایات جنگی انجام شده در لوکاین آغاز شده را تسریع کرده است. کشورهای مختلف دیگر در اروپا، آمریکای لاتین، آسیا و اقیانوسیه عمدتاً متحدان ایالات متحده و ناتو هم به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل رای منفی یا رای ممتنع داده‌اند و ملاحظات ژئوپلیتیکی را بالاتر از قوانین و اخلاق بین المللی قرار داده‌اند.

هر چه اسرائیل بیشتر توسط این کشورها حمایت شود، قوانین بین المللی را بدون ترس از عواقب زیر پا می‌گذارد و سوءاستفاده‌های وحشیانه و مرگبارتر می‌شود و نقض آن تنها بر جمعیت فلسطین تاثیر نمی‌گذارد. این الگوی معافیت از مجازات، اصول اساسی عدالت و پاسخگویی را تضعیف می‌کند و دیگران را تشویق می‌کند تا در چنین جنایاتی شرکت کنند.

مجازستان و جمهوری چک تنها کشورهایی بودند که از اروپا رای منفی دادند و مالاوی از آفریقا و چندین کشور جزیره‌ای اقیانوس آرام به آنها پیوستند.

اسپانیا، فنلاند و پرتغال برخی از اصلی ترین کشورهای اروپایی بودند که به قطعنامه رای مثبت دادند. دیگر حامیان برجسته (ژاپن، چین، روسیه و برزیل) بودند. به طور کلی، تقریباً تمام آفریقا، اروپا، آسیا و آمریکای لاتین به قطعنامه سازمان ملل رای مثبت دادند.

هند یمانین قطعنامه رای ممتنع داد. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی، نارندرا مودی، همتای هندی خود را دوست صمیمی می‌داند. در زمان مودی که در سال ۲۰۱۷ اولین نخست وزیر هند شد که به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد، روابط بین کشورها به طور قابل توجهی افزایش یافت. زیرا دهلی نو به آرامی از حمایت سنتی و ثابت خود از فلسطین دور شده است.

از زمان شروع نسل کشی در غزه، متحدان غربی صهیونیست‌ها عمدتاً به قطعنامه‌های سازمان ملل که به دنبال حمایت از فلسطینی‌ها یا محاکمه صهیونیست‌هاست، رای منفی یا ممتنع داده‌اند. حتی قطعنامه‌های آتش آور ضعیفی که توسط شورای امنیت سازمان ملل تصویب شده هم اجرا نشده است. رای گیری روز چهارشنبه نیز نسبت به برخی از رای گیری‌های قبلی، از جمله رای آتش‌بس غزه در مجمع عمومی در دسامبر، به میزان قابل توجهی رای ممتنع بیشتری داشت. این روند نگران کننده نشان می‌دهد که کشورهای دارای ارتش قدرتمند می‌توانند به طور یکجانبه و بدون توجه به قوانین بین المللی بدون پیامد عمل کنند. اگر نتوان این فرسایش زیر حقوقی را متوقف کرد، در خطر فرود به جهانی هستیم که توسط قانون جنگل اداره می‌شود.

چنین شکستی در قوانین بین المللی پیامدهای فاجعه باری برای تمدن بشری خواهد داشت. فضایی را ایجاد می‌کند که در آن قدرتمندان می‌توانند حقوق ضعیفان را زیر پا بگذارند و چرخه‌های خشونت و سرکوب را تداوم بخشند. نفاق مشهود در واکنش جهانی به وضعیت اسفبار فلسطین، نمونه‌ای از این بی توجهی خطرناک به عدالت و پاسخگویی است. از اینجایی که برخی کشورها همچنان چشمان خود را روی تخلفات عمیق می‌بندند، پایه‌های نظم جهانی در خطر است.

برای بازگرداندن ایمان به حقوق بین الملل، کشورها باید حقوق بشر را بر منافع استراتژیک اولویت دهند. این امر مستلزم یک جبهه متحد از سوی جامعه بین المللی است. کشورها باید یکدیگر را در قبال اقدامات خود مسئول بدانند و بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های سیاسی یا اتحاد، علیه تخلفات و جنایات صحبت کنند. تعهد واقعی به عدالت ایجاب می‌کند که اصول حقوق بین المللی به طور مداوم و بدون جانبداری اعمال شود.

تنها از طریق اقدام قاطع می‌توان آرمان‌های حقوق بین المللی را حفظ کرد و جهان را از آینده‌ای تاریک و بدون قانون نجات داد.

برش

حماقت بی پایان

«اسرائیل در تامین امنیت مناطق شمالی اراضی اشغالی شکست خورده و چون نمی‌خواهد به خواست حزب الله لبنان و محور مقاومت در پایان دادن به جنگ غزه تن دهد و اهداف خاص خود را دنبال می‌کند، سناریوی تشدید درگیری‌ها با حزب الله لبنان را به نحوی جدی مورد توجه دارد.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، منطقه غرب آسیا روزهای سرنوشت‌سازی را سپری می‌کند. رژیم اشغالگر قدس حملات سنگینی را به بخش‌های مختلف لبنان و به ویژه مناطق جنوبی این کشور در دستور کار قرار داده و حزب الله لبنان هم با شلیک دهها موشک و پهپاد، به حملات اسرائیل واکنش نشان داده است.

رژیم صهیونیستی از حملات سنگین هوایی به لبنان و مواضع حزب الله، دو هدف مهم را دنبال می‌کند. اول اینکه این رژیم سعی دارد تا ارتباط میان جبهه شمالی و جنگ غزه را قطع کند و دیگر اینکه زمینه را برای خاتمه یافتن حملات حزب الله لبنان به شمال فلسطین اشغالی و بازگشت بیش از ۲۰۰ هزار شهرک‌نشین صهیونیست که از ترس این حملات، ماه‌هاست فرار کرده‌اند، فراهم سازد. با این همه، بسیاری از تحلیلگران مسائل راهبردی نظیر ژنرال اسحاق بریک از فرماندهان ارتش اسرائیل در گفتگو با رسانه‌های اسرائیلی به صراحت تاکید می‌کنند که بعید است حزب الله لبنان عقب نشینی کند و اسرائیل بتواند به راحتی به اهداف مذکور دست یابد.

در این چهارچوب، به نظر می‌رسد که در روزهای آتی بایستی انتظار وقوع دو تحول مهم را از سوی صهیونیست‌ها داشته باشیم.

اولا، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل روز پنجشنبه با تاخیر عازم نیویورک می شود تا در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد شرکت کند به احتمال زیاد، هدف و دستور کار اصلی او از حضور در مجمع عمومی و سخنرانی در آن، مشروعیت‌بخشی به حملات اسرائیل علیه لبنان است. این دستور کار از سوی نتانیاهو در شرایطی دنبال می‌شود که تاکنون شمار قابل توجهی از مقام‌های بین المللی (در جریان برگزاری مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد) علیه اسرائیل و رویکردهای نخست‌وزیر آن در بحبوحه تحولات بیش از ۱۱ ماه اخیر که از جنگ غزه می گذرد، دست به انتقاد و اعتراض زده اند. از این رو، نتانیاهو سعی در سفیدشویی جنایات چند ماه اخیر اسرائیل و زمینه چینی برای ارتکاب به جنایات بیشتر در آینده نزدیک خواهد داشت.

نکته دوم اینکه به احتمال زیاد رژیم صهیونیستی گزاره حمله زمینی به لبنان را به نحوی جدی دنبال کند. اسرائیل در تامین امنیت مناطق شمالی اراضی اشغالی شکست خورده و چون نمی‌خواهد به خواست حزب الله لبنان و محور مقاومت در پایان دادن به جنگ غزه تن دهد و اهداف خاص خود را دنبال می کند، سناریوی تشدید درگیریها با حزب الله لبنان را به نحوی جدی مورد توجه دارد.

البته نتانیاهو می داند اگر به جنگ غزه در شرایط کنونی خاتمه دهد این به معنای پایان عمر سیاسی وی خواهد بود و حتی بعید نیست او پس از پایان جنگ محاکمه شود و روانه زندان گردد. از این رو، وی و متحدان افراطی اش تنش‌زایی را به محاکمه شدن ترجیح می دهند و سعی دارند به هر نحو ممکن که شده به زعم خود در قامت یک پیروز از جنگ با مقاومت فلسطین و حزب الله لبنان خارج شوند. در این رابطه، اسرائیل در ساعات اخیر اقدام به منتقل کردن دو لشکر کماندویی خود به مناطق مجاور با مرز لبنان کرده و هیچ بعید نیست که دشمن اسرائیلی این مرتبه نیز حماقت کند و به لبنان حمله کند.

این در حالی است که حزب الله لبنان هم برگ‌های برنده موثری دارد و نیروی زمینی و چریکی قدرتمندی را برای مقابله با دشمن صهیونیست در اختیار دارد به اذعان نشریه‌ها آرتس نیز بیش از ۴۰ هزار نیروی مقاومت در مناطق نزدیک به مرزهای فلسطین اشغالی در خاک سوریه، آماده اشاره سید حسن نصرالله هستند تا به نفع جریان مقاومت وارد میدان جنگ با اسرائیل شوند. با این همه، هماطور که پیشتر نیز گفته شد، دیوانگی‌های نتانیاهو و افراطیون متحدش پایانی ندارد و باید برای مقابله با سناریو جنگ تمام عیار آماده بود. جنگی که می تواند سرنوشت بسیاری از معادلات آتی در سطح منطقه را تغییر دهد.

تغذیه دانش‌آموزان؛
چ